

فاجعه

فا جمعه است این •  
فغانه \* عمایع بر سرهای دوشیم بد آفین •  
فکر و ذکر شمع شان - گفتار و جنگ است  
پورش چنگیزی و خوفوریزی تیمور لنگ است •

قرن ها کنج شبستان های راحت  
همچوزنبوران زهری لانه کردند •  
عقد ه های تنگشان بر کیده اکنون •  
چشم های تنگشان پوشیده فر خون •  
میهنم را سر به سر ویرانه کردند •••

هر کجا گل بود چیده اند •  
نسل نو را سر بریدند •  
ما دران را داغده  
کودکان را بی پدر • بی خانه کردند •

من که در بی آشیانی  
در خزان زندگانی  
جز قلم در دست خود چیزی ندارم  
با نما می وجودم  
منتظر امیدوارم

همت هم میهنانم  
عزم عاصی جوانان  
سلطه این قوم وحشی را  
بر اندازد از ایران •

x x x x